

# نسیم بهار عربی از بغداد!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

حکمتیست  
هفتگی  
۷۵

۱۰ اوت ۲۰۱۵ - ۱۷ مرداد ۱۳۹۴  
دوئشنبه ها منتشر میشود

مافیای میدیای غربی، با پول و اسلحه ناتو و ایران و عربستان و قطر و ترکیه، بر جامعه عراق و بر چهره مردم آن کشیده شده بود، عراق چهره دیگری از خود نشان داد. ... صفحه ۲

بار از عراق، به مشام میرسد. امروز جهانیان، در مقابل سیمای مهندسی شده و تزریق شده به بغداد، سیمای خون و چرک و تحجر، سیمایی دیگر را شاهد بودند. در مقابل تصویر زندگی در وحشت و ترس از باطلاق انفجارات و عملیات های انتحاری، در مقابل ترس از رشد باکتری داعش و تحرکات و حاکمیت دستجات تا مغز استخوان متحجر اسلامی شیعه و سنی، جنبش دیگری قد علم کرد. برخلاف تمام پوشش تریک و ارتجاعی که توسط

تظاهرات عظیم و موج اعتراضات گسترده در بغداد و سایر شهرهای عراق، اعتراضاتی که در مقابل ارتجاع اسلامی و قومی و نیروهای مرتجع ناتو، صدای آزادیخواهی و عدالتخواهی مردم عراق را بیان میکند، بار دیگر نسیم تحرکی آزادخواهانه و مترقی را به وزش در آورده است. بار دیگر در مقابل روند سراسر متعفن در خاورمیانه، و در مقابل سیاهی و خونی که ناتو و دولت های مرتجع منطقه، بیش از دو دهه به این جغرافیا پاشانده اند، نسیم بهار عربی دیگری، این

## برگه جریمه در تعقیب زنان!



ثریا شهبابی

۱۸ مرداد امسال، حجت الاسلام نصرالله پژمان فر، سخنگوی کمیسیون مشترک فرهنگی و قضایی مجلس اعلام کرد که: "بر اساس ماده یک طرح عفاف و حجاب، مأموران راهنمایی و رانندگی می توانند با آن دسته از رانندگانی که برای نوامیس مردم مزاحمت ایجاد کرده و یا در خودروی خود اقدام به کشف حجاب و یا در ایام ماه مبارک رمضان اقدام به روزه خواری می کنند، برخورد کرده و جریمه ۱۰۰ هزار تومانی برای آنها لحاظ کنند."

ظاهراً آرزوی حجت الاسلام سخنگوی کمیسیون فوق این است که: مأموران راهنمایی و رانندگی وظیفه مأموران گشت ارشاد را انجام دهند و به جای امر به معروف و دستگیری و .. در تعقیب زنان و روزه خواران، برگه های جریمه را در جاده ها و ... صفحه ۲

## در محکومیت اعمال تروریستی علیه دو سازمان زحمتکشان

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ص ۲



## ذوق زدگی "کارشناسان اقتصادی"!

امان کفا

نارضایتی کارگران از بی تفاوتی کارفرمایان و مسئولین در برخورد مناسب به این شرایط است و در ادامه به انتقاد از این وضعیت در دوره "رکود فعلی" می پردازد و تلویحا ادعا دارد که راه حل مناسبی وجود دارد و آنهم لایحه اقتصاد مقاومتی است. از نظر گزارشگر، مشکل در این است که دولت و مسئولین در این مورد کم توجهی می کنند. ... صفحه ۴

خبرگزاری تسنیم از سایت های نزدیک به سپاه، طی گزارشی از قزوین به بسته شدن ۱۲ شرکت، و عدم پرداخت حقوق معوقه چندین ماهه کارگران شیشه آگینه، فرش پارس، کنتورسازی، کارخانه قفل کار پرداخته است. البته این وضعیت نه تنها در قزوین بلکه نمونه ای از شرایطی است که کارگران در نقاط مختلف ایران هرروزه با آن دست بگریبان اند. این گزارش حاکی از



## "حق انتخاب" در مکتب وقاحت!

فواد عبداللہی

رفسنجانی که هیچکس مطمئن نیست تعداد افرادی که به دستور او در سه دهه اخیر کشته شده اند، کمتر از قربانیان آگوستو پینوشه باشد، در دیدار اعضای "حزب کارگزاران" میگوید: "عقیده به تحزب در جامعه آزاد که مسؤلیت ها با رأی مردم مشخص می شود، جزو مبانی پذیرفته شده اسلامی ما است... گرفتن حق انتخاب از مردم گناه بزرگی است، فرصت مهمی ایجاد شده که کشور خود را بسازیم."

این جنایتکار دروغ می گوید. خاطرات خوش و خرم و پرافتخار حزب جمهوری اسلامی و جنایات ۳۰ خرداد ۶۰ را مضمضه کرده که با یک امضا یا حرکت دست در رکاب خمینی و خامنه ای و خلخال و لاجوردی جلال و سایر برادران اصلاح شده و دکتر - مهندس شده امروز، انتخاب واقعی مردم انقلاب کرده ایران را به خاک و خون کشیدند، و صدها حزب و جریان چپ و کمونیست، هزاران انقلابی پاک و شریف را به دیار عدم فرستادند.

ایشان به چه زبانی بگویند: خوشا جمهوری اسلامی که در آن ما مجبور نیستیم فقط در حاشیه بمانیم، می توانیم امروز و به دنبال ورودمان به کلوب جامعه جهانی بیش از پیش سرکوب کنیم، بکشیم و قهرمان آزادی و اصلاحات و سازندگی بشویم.

رفسنجانی و همپالگی هایش، در کنفرانس گوادالوپ دستگاه حکومت را از نظام سلطنتی تحویل گرفتند و با تریکی از ارتجاعی ترین ایدئولوژی، نسلی از پیشروترین انسانها را سلاخی کردند و بر روی خاکستر انقلاب ۵۷، با تحمیل بیش از سه دهه استبداد و خفقان سیاسی تا به امروز دوام آورده اند. اکنون قرار است توسط حمایت و معماری غرب، با پیوستن جمهوری اسلامی به کلوب جامعه جهانی و جرگه عربستان و قطر و کویت، طویله اسلامی اوژیاس گریم شود. قرار است روی شانیه های خمیده و کمرهای شکسته میلیونها انسان شریف پول بیشتری پارو کنند و بساط مفتخوری شان را پهن تر کنند.

رفسنجانی عشوه های نجسپ "آزادی عقیده و انتخاب" را بر متن عضویت امروز جمهوری اسلامی در جامعه بین الملل سر داده است. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

## در محکومیت اعمال تروریستی علیه دو سازمان زحمتکشان

اخیرا شاهد دو اقدام تروریستی علیه دو جریان اپوزیسیون جمهوری اسلامی (سازمان زحمتکشان جناح عمر ایلخانی زاده و سازمان زحمتکشان جناح عبدالله مهتدی) در کردستان عراق بودیم. طبق اخبار منتشر شده در روز ۱۷ مرداد ۱۳۹۴ (۸ اوت ۲۰۱۵) یکی از عوامل نفوذی جمهوری اسلامی قصد ترور رضا کعبی معاون دبیر اول کومه له زحمتکشان (جناح عمر ایلخانی زاده) را داشت که خوشبختانه این برنامه خنثی شد. همزمان در این روز، چهار بمب کار گذاشته شده در اردوگاه سازمان زحمتکشان عبدالله مهتدی، کشف و خنثی شد. تاکنون انگشت اتهام در مورد این اعمال تروریستی بطرف جمهوری اسلامی رفته

است. جمهوری اسلامی تاریخا در ترور مخالفین خود چه در داخل ایران و چه در کشورهای دیگر، از کردستان عراق تا کشورهای غربی پرونده ای روشن و پر از جنایت دارد. امروز ظاهرا جمهوری اسلامی فرصتی یافته است تا بعد از توافق با دول غربی و با حفظ منافع آنها، علیه اپوزیسیون خود، در ایران و در خارج مرزها و از جمله در کردستان عراق دست به هر جنایتی بزند. اقدام اخیر جمهوری اسلامی و عوامل نفوذی آنها در دو سازمان زحمتکشان، برای ترور رضا کعبی و بمب گذاری در اردوگاه سازمان زحمتکشان عبدالله مهتدی، شروع دور جدیدی از اعمال ترور و جنایات علیه نیروهای اپوزیسیون و مخالفین جمهوری اسلامی

است، امری که حزب حکمتیست مدتها است در مورد آن خصوصا در کردستان عراق هشدار داده است. این اقدام تروریستی جمهوری اسلامی با پیوستنش به جرگه هم پیمانان غرب در منطقه، مانند جنایات سایر هم پیمانان آمریکایا، از ترکیه تا عربستان، با سکوت دول غربی و میدیای نوکر روبرو شده است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست(خط رسمی) مستقل از هر ارزیابی و فاصله سیاسی با این دو سازمان، اعمال تروریستی فوق را شدیدا محکوم میکند. ما همه نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی را برای اعتراض علیه هر نوع اعمال تروریستی جمهوری اسلامی چه در ایران و چه در خارج کشور فرا میخوانیم.

**دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)**  
۹ اوت ۲۰۱۵

جریمه رانندگان متخلف را به آنان تقدیم کنند.

در چنین وضعیت رانندگی در ایران، تصور کنید که آرزوهای ضدزن نظام و حجت الاسلام مربوطه برای جریمه کردن زنان بدحجاب، برآورده شود. آیا ماموران راهنمایی رانندگی، که باید برای تشخیص میزان تخلف حجاب زن دوره تخصصی "ارشاد اسلامی" ببینند، و در عین حال برای کاهش کشتار های رانندگی باید از "برخورد چکشی" پرهیز کنند و "با لبخند جریمه کنند"، آماده اند؟ هنگامی که "لبخند بربل" برگه جریمه حجاب را تحویل میدهند، آماده اند که "متخلفین" از آنها هم همچون ماموران گشت ارشاد با مشت و لگد استقبال کنند؟ غیرقابل

یکی از خطرناک ترین کارها است. متخصصین سلامت

جسمی و روانی میگویند که مستقل از وضعیت نابسامان ترافیک، آموزش و امکانات امنیتی خیابانها و جاده ها، مهمترین عامل این کشتارها میزان عصبیت و آرامش نداشتن راننده ها است. مثلا پزشک قانونی میگوید که: "... برخورد چکشی در ارائه برگه جریمه و در برخورد با راننده متخلف، بر این عصبانیت می افزاید که این مهم ممکن است به دیگر حوادث رانندگی منجر شود."

این مقام پزشکی توصیه میکند که: "ماموران می توانند به جای عصبانیت در برخورد با متخلفان که حاصل نگرانی از به خطر انداختن جان دیگر هموطنان است، با لبخند برگه

### برگه جریمه ...

خیابانها براه اندازند. آرزوی این مقام قانون گذار، ما را به وضع رانندگی در ایران می رساند. اسفند سال گذشته رییس پلیس راهور نیروی انتظامی، گفته بود که در ایران: "به ازای هر ۱۰ هزار وسیله نقلیه، ۲۵ نفر در سال ۸۴ تا ۸۵ کشته می شدند." به این آمار باید رقم آسیب دیدگان مالی، جسمی و روانی را هم افزود. خود مقامات اعلام میکنند که در زمینه مرگ در حوادث رانندگی، ایران یکی از بالاترین رتبه ها را در جهان دارد. به گفته رییس سازمان پزشکی قانونی، بیشترین حجم کشته ها مربوط به حوادث رانندگی است. رانندگی در ایران، چه بعنوان شغل و چه بعنوان وسیله ترده،

### نسیم بهار عربی از بغداد!

مبارزه برحق آزادیخواهانه، در مقابل میلیتاریستی کردن و توطئه کردن و آلترناتیو سازی های سنتی که بیش از یک دهه است که در خاورمیانه جریان دارد، ایستاد. عروج یک جنبش اعتراضی آزادیخواهانه غیر مذهبی و غیرقومی در عراق و در کردستان عراق، میتواند ورق را تماما برگرداند.

مردم عراق به حاکمیت مذهب و رنگ قومی و مذهبی زدن به جامعه شان توسط ارتجاع امپریالیستی و باندهای محلی نه گفتند. شعارهای "نه شیعه، نه سنی" مشت محکمی بر سینه ارتجاع قومی و مذهبی، شیعه و سنی، و لگدی بر سناریو امپریالیستی خاورمیانه قومی و مذهبی، است.

پیروز باد مبارزه برحق و آزادخواهانه مردم عراق حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی) ۸ اوت ۲۰۱۵

چهره مردمی متمدن، آزادیخواه و مترقی که برای رسیدن به خواست های انسانی شان، به قدرت خود به میدان آمده اند. از این جنبش باید حمایت کرد و برای به پیروزی رساندن آن، کمک کرد.

این حرکت آزادیخواهانه و مترقی، میتواند روند تماما ارتجاعی که امروز و پس از توافقات دول غربی با ایران حاکم است، را نه تنها در عراق که در کل خاورمیانه، تغییر دهد. میتواند در فضای پس از اضافه شدن ایران هم به یکی دیگر از اعضا "مجاز" و "قانونی" کلپ جانیان در تخریب خاورمیانه، و در شرایط مانورهای فاشیستی - تروریستی دولت اردوغان، مهر خود را بر اوضاع در خاورمیانه بزند، و فی الحال زده است.

باید در مقابل تلاش نیروهای مرتجع منطقه ای و بین المللی، برای تغییر سمت و سوی این

تصور است.

اظهارات سخنگوی کمیسیون مشترک فرهنگی و قضایی مجلس و ماده مربوط طرح عفاف و حجاب نه برای اجرا، که در صورت اجرا "تف سربالا" برصورت همگی شان خواهد بود، که برای امر دیگری صادر شده است. این قانون و این اظهارات یک کمپین سیاسی درون خانوادگی حکومتی است. خودشان خوب میدانند که افزایش دوز اسلامیت جامعه، بخصوص علیه زنان، نه فقط در حرف و تهدید که در عمل، بازی با آتش است.

برخلاف تبلیغات حواریون روحانی، و بخش "خوش خیم" حکومت، این طرحی برای اجرا نیست. اما قرار است مدتی هم در باب "عدم رضایت" مقام ریاست جمهوری از این مصوبه،

مقادیر متناهی حرف مفت و نیم پز در مورد شان و مقام زنان، به هوا متصاعد کنند. حجت الاسلام مربوطه در مورد امکان اجرای این ماده، شکر زیادی میل میفرمایند. نه ایشان و نه گشت ارشاد ایشان و نه مامور راهنمایی و رانندگی فرضی که مشاعرش را از دست داده است، قادر به کنترل رشد اسلام ستیزی و به تسلیم کشاندن زنان به رعایت حجاب، نیستند.

این داعیه ها و برنامه ها، فقط و فقط خاصیت گرم کردن و گرم نگاه داشتن بساط انتخابات و دولت اعتدال و تبلیغ برای روحانی است. کسی آن را جدی نمی گیرد، خودشان در صف اول میدانند خاصیت این خط و نشان کشیدن ها، چی است.

## امنیت

(بخشی از منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران)

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist>

Manshour.html

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برجیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

حزب حکمتیست دفاع و امنیت را وظیفه نیروی مسلح مردم، متشکل در کمیته های محل کار و زیست، مبتی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در امور انتظامی و دفاعی، و جایگزین آن با ارتش حرفه ای و مافوق مردم میداند.

حزب حکمتیست برای فراهم کردن شرایط دفاع، مسلح و غیرمسلح، علاوه بر کمیته های محل کار و زیست، برای شکل گیری گارد آزادی، مسلح و غیر مسلح، فعالیت میکند.

با این وجود مادام که نیرویهای مسلح وجود دارند موازین زیر باید برقرار گردند:

۱- اطاعت بی چون و چرای پایین از بالا در نیروهای مسلح لغو شود. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع کند.

۲- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول اعتقادات وی مغایر است، امتناع کند.

۳- نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه، اونیفورم نظامی خود را به تن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود.

۴- تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است.

۵- لغو دیپلماسی سری

۶- ممنوعیت ورود کشور به پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه

۷- ممنوعیت گسترش میلیتاریسم، دخالت نظامی میلیتاریستی در کشورهای منطقه، ممنوعیت مسلح کردن دسته های قومی و مذهبی.

در محلات متحزب شد و قدرت دفاع از خود را به جمهوری اسلامی تحمیل کرد. اکنون زمان کارهای عظیم و تاریخساز به نیروی متشکل کارگران کمونیست و مردم محروم ایران است. حزب حکمتیست برای چنین لحظات و چنین کارهایی ساخته پرداخته شده است.

ندارند، ما دو پا در یک کفش گوشمان بدھکار اینهمه پند و اندرز عالمی مهندس و دکتر و پروفوسور کارکشته در اصطبل اعتدال و مکتب رثال پولتیک نبود. بیخود نیست که کمونیسم ما و حزب ما قادر نیست یکبار هم که شده، حتی از سر اشتباه با این اپوزیسیون بورژوایی، با هرگونه امتیازی به اسلام و ملی گرایی و میهن پرستی و مرز پر گهر و آن همه سرچشمه هنر عالم همراه و همسنگر شود.

اینها تا زمانیکه جمهوری اسلامی حکم میراند، دوش به دوش آن مردم را می ترسانند و سنگرشان معلوم است. لذا به صدا درآوردن کوس رسوایی اینها، جارو کردن سیاستشان، رسم و سنن و فرهنگ شان، اخلاقیات و ارزشهای معتبر زندگی سیاسی نا جالب شان، همه این کارهای شاق و در عین حال لذتبخش امر کمونیست ها و انقلاب کارگری است. از میان بدر کردن جمهوری اسلامی تنها در گرو متشکل و متحزب شدن کارگران و کمونیستها و ساختن آن قدرت سیاسی عظیمی است که بتواند جلوی همه اشکال و پوست اندازی های ممکن این رژیم و دنبالچه های آن بایستد. این کار همه آزادیخواهان و در پیشاپیش آن کارگران کمونیست است. باید اعلام کنیم که ما و کمونیسم ما نماینده انتخاب واقعی اکثریت مردم محروم ایران است. کاری کنیم که همه دنیا اعتراضات متحدانه و سازمان و قدرت مان را روشنتر از همیشه ببینند. باید کاری کنیم که قدرت رهایی بخش کمونیسم ما بر هر میز مذاکره و بر هر اتاق توطئه "جامعه جهانی" سایه اندازد. باید همین امروز در کارخانه ها و

عزیزشان چهره ای رمانتیک و شکلاتی بدهند.

یکبار دیگر لازم بود دنیا بداند که به غیر از طبقه کارگر، کمونیستها و حزب ما، تمام این اپوزیسیون در یک اتحاد رسما اعلام نشده علیه مطالبه رفاه، آزادیخواهی و مساوات طلبی اکثریت مردم محروم ایران ایستاد. توافقات هسته ای اگر خدمتی کرده باشد بار دیگر به جامعه اعلام کرد که ملی های چپ و راست از سلطنت طلب، توده - اکثریت، ملی - اسلامی تا ناسیونالیست کرد دو آتشف، همه بدون اینکه الزاما خود بدانند که در یک جبهه، پشت یک هدف تماما ایرانی و وطنی، پشت یک تقلائی مبارک دیگر برای مشروع جلوه دادن جمهوری اسلامی بخط شدند. بار دیگر معلوم شد که غیر از کمونیسم طبقه کارگر، هیچ جریان و جنبش بورژوایی، هوادار انتقال جمهوری اسلامی و رگ و ریشه هایش به زباله دانی تاریخ نیست و به همین اعتبار هیچ بورژوایی دموکرات نیست. تحمیل استبداد و گسترش دامنه هراس و ترس در اشکال متنوع مذهبی و غیر مذهبی، آرم و مشخصه اردوگاه سرمایه و احزاب راست و چپ متعلق به آن در ایران است. انزوای کمونیسم، طبقه کارگر و حزب حکمتیست در میان این اپوزیسیون روشن بین بخشا به همین دلیل است. اینها برای حاشیه ای کردن طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه، قرارداد ملی با جمهوری اسلامی امضا کرده اند. بی خود نبود زمانیکه تمام امت واقعیات انکار ناپذیر سیاست در ایران امروز را داد می زد و اعلام میکرد مردم ایران به زندگی خارج از دایره جمهوری اسلامی عادت

## "حق انتخاب"...

حالا که به سمت انتخابات مجلسشان لشکرکشی میکند شلنگ تخته هایش برای طبقه کارگری که قرار است در فقر و فلاکت و بی حقوقی و گرسنگی، با ارزان فروش کردن نیروی کارش توسط سرنیزه دولت و کارفرما، آقایان و آقاهاها و هزار شاخه تو در توی سرمایه داری ایران را به خون یغما برساند، کاملاً آشنا است. رسواست! تصور کنید یکرز و فقط یکرز دست این شیادان گردن کلفت از زندگی مردم ایران کوتاه شود، تصور کنید یک لحظه بساط ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، بسیج، پلیس، اسیدپاش، اوباش قمه زن و مافیای مذهب، رسانه های دولتی و ژورنالیسم پست رسمی در قفس شوند؛ تصور کنید هراس و تهدید به سوریه ای کردن ایران در کار نباشد، آنوقت انتخاب واقعی اکثریت مردم ایران معلوم و معرفی است. و این ازقضا تنها زمانی است که بساط رفسنجانی ها و روحانی ها و خامنه ای ها برچیده شود. آزادی احزاب و انتخاب واقعی و حقیقی آتموقع معنی دارد.

و اما وقیحانه تر، اعمال و مواضع آن اپوزیسیونی است که در رکاب بی شرافتی ژورنالیسم دنیای معاصر و سلیبیریتی های باد به غبغب انداخته شده دوزاری، بار دیگر یکدست پشت جمهوری اسلامی و دولت اعتدال رفت تا مملکت را بسازند! قبل از آن هم در دوران دو خرداد و قبلتر به دنبال همراهی کردن امام از این غلطها کرده بودند. اینها امروز یکدست تر از همیشه پشت اهداف معاملات هسته ای جمهوری اسلامی با آمریکا لم داده اند و توتون میوه ای دود میکنند تا به جمهوری

**ذوق زدگی ...**

خبرگزاری ایراد را در همین خلاصه می کند که "دولت بایستی به تولید کنندگان داخلی بهای بیشتری دهد تا از قرار این رکود از بین رود، چه بسا که "نیاز امروز و اصلی اقتصادی ما ساماندهی تولیدات داخلی و مرحله به مرحله با حل مشکلات گوناگون تولیدکنندگان، گام نهادن به رشد تولید داخلی است."

ای کاش کمی دولت و مسئولین "محترم" به این گزارشگر گوش می کردند، دعاها و نزارهای جناحی را کنار می گذاشتند و به جای ائتلاف وقت خود و لایب سپاه محترم، کمی "عاقلانه" عمل می کردند تا تمامی مشکلات بیکاری و وضعیت رقت آور حقوق و معیشت کارگران هم به پایان می رسید و کارگر هم سرمایه و کارمزدی را فراموش می کرد و می توانست بپراحتی به زندگی شایسته خود و خانواده و کل طبقه اش دست یابد.

گزارشگر مشکل گشا ادامه می دهد، "بیکاری با تجارت خارجی و سودآوری آن و رشد مصرف عمومی برای خرید کالاهای خارجی، برطرف نمی شود. اما نکته اینجاست که با توجه به اهمیت تولید داخلی متأسفانه دولت توجه خوبی به تولید نداشته است". گویی کل معضل بیکاری و مشکلات اکثریت عظیم این جامعه همچون یکی از سریال های تلویزیونی است که "بی توجهی" یک نفر و یا گروهی به نابودی زندگی همه انجامیده است، و تنها کافی

است که ناگهان یک قهرمان یا شوالیه ای چون "احمدی نژاد" و یا از دیگر یاران نزدیک سپاهی به کمک مردم بشتابند، و با برقراری فرمان "اقتصاد مقاومتی آقا" همه را به سوی بهشت رونق و خوشبختی هدایت کنند!

در عین حال و در برخورد و پاسخ به همین وضعیت، بخشی دیگر - از جناح طرفدار - که به مرحمت گرمای نور امید از "انفجار" توافقات هسته ای روح تازه ای در کالبدشان دمیده شده است، اینبار در لباس مشاوران "کارشناسان" اقتصادی، به دفاع از دولت اعتدال شتافته اند. با شعف زدگی و افتخار نظر می دهند که گویا بعد از دهها سال بورژوازی ایران یکبار قادر شده نفس راحتی بکشد. ادعا دارند که دیگر ایران حالا می تواند در جاده ترانزیت بازار جهانی شتاب گیرد. کم کم این لفافه گویی بجایی می رسد که انتظار دارند ایران به قدرتی نظیر آلمان و ژاپن و حتی آمریکا در عرصه جهانی تبدیل شود!

عبدالرضا احمدی خمینی کارشناس اقتصادی، در مقاله "دیپلماسی اقتصادی نیازمند نگاه ظریف" در روزنامه شرق ادعا می کند که آن کشورها نیز، دوره ای به واسطه جنگ، تنش های سیاسی داخلی و تحریم های جهانی، شرایط حصر منابع و افول صنعتی را پشت سر گذاشته اند و امروز به یکی از قدرت های برتر سیاسی، اقتصادی و صنعتی تبدیل شده اند" و اگر آنها توانسته اند چنین "موفق" شوند، پس چرا ایران نه؟ ایران که این همه منابع طبیعی

دارد، موقعیت جغرافیایی مناسبی دارد، فرهنگ کهن دارد و ... مسلمان می تواند در همان رده قرار گیرد! تنها و تنها دست اندازی که در این جاده یکطرفه، چرت جناب احمدی خمینی را بهم می زند این است که ظریف، مسئولین سفارت خانه های ایران در خارج کشور، و دیگر نمایندگان جمهوری اسلامی ممکن است که خدای نکرده هول شوند و کلید طلایی "دیپلماسی اقتصادی" را گم کنند! به همین دلیل لازم است که در مقاله ای به آنان یادآوری کنند که حواسشان پرت نشود و همچنان تخت گاز به حرکت ادامه دهند.

آقای احمدی خمینی مدعی است که بایستی به ژاپن نگاه کرد و یاد گرفت که چگونه این کشور بعد از تحمل بمب اتمی توانسته است زبان زد همه باشد. خوب است یکی از دوستان این "کارشناس" به ایشان یادآوری کند که هیچ آدم عاقلی حاضر نمی شود سرنشین آن خودرویی شود که در جاده ترانزیت فرمانش دست شما است. ادعاهایی که آنچنان ناشی و مست گونه است که در همان لحظه اول نه تنها کل سرنشینان ایرانی این خودرو، بلکه هر کارگر آلمانی و ژاپنی و امریکایی که به یمن استثمار و در شیشه کردن جان و زندگی اش کل سرمایه بورژوا - امپریالیستی بنا شده است، را نیز مسلما به کشتن می دهد. امروز حتی یک بچه دبستانی در ژاپن می داند که غول سرمایه ژاپنی، حاصل "کوششهای دیپلماسی مدبرانه اقتصادی" دولتمردان ژاپنی نبوده است. البته این

انتظار حتی از کارشناس ما زیادی است. او هنوز انگشت به دهان مانده است و میگوید که "توسعه و پیشرفت آلمان بعد از جنگ جهانی دوم محال به نظر می رسید و کمتر کسی گمان می کرد این کشور دوپاره، که با کمک های دولت آمریکا فقط سعی در بازسازی لطمات جنگی دارد، روزی برندهای صنعتی و تکنولوژی اش رقابت را در عرصه اقتصادی و کسب بازارهای جهانی بی معنا کند و انحصار را در دست گیرد".

اگر این درجه از سطحی گرای و "گمان" برای به مجادله رفتن با همان "گزارشگران" به ظاهر منتقد دولت در خبرگزاری تسنیم کافی باشد، برای مردمی انقلاب کرده در جامعه نظیر ایران مسلما تنها مثنی لفاظی و مشمز کننده است. امروز همه می دانند که کل تبلیغات این دو طرف برای موجه جلوه دادن این جهنمی است که هر روزه با سیاست های مورد قبول کل بورژوازی و دولت اسلامی نماینده آن در این جامعه تولید و بازتولید می شود. باید حداقل "کارشناس اقتصادی" ما یکبارهم که شده در خیابان های جامعه بشری قدم زده باشد تا بداند، او تنها سواری موجود در این برهوت نیست. آخر هر خرده بورژوازی دکان داری هم حداقل می فهمد که مشتری را احمق فرض کردن، اشتباهی بزرگ است. آن قدرت های اقتصادی دنیای سرمایه، بدنبال سود و راه حلی هر چند کوتاه مدت علیه هم جنگ های جهانی راه انداختند، نظم نوین و کشتارهای میلیونی را در سطح

دنیا سازمان داده و می دهند. زیربنای جمهوری اسلامی، و کل حاکمیت و جناح های آن بر اساس همین نظم سرمایه و بر این چهارچوب استوار است. نه انتقاد طرفدار اقتصاد مقاومتی و نه ذوق زدگی کارشناسان اقتصادی، نه نزاع ها و نه توافقاتشان، برای کم کردن مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم جان به لب رسیده در ایران نیست. برای دستیابی به هر گونه سعادت و بهبودی در زندگی واقعی باید برای مطالبات رفاه و آزادی در قرن بیست و یکم جنگید. بایستی برای تضمین امنیت مردم در مقابل تمامی این یاهه گویان سرمایه و دولت اسلامی شان از همین امروز آماده شد. آزادی بدون تامین امنیت و رفاه بی معنی است.

**"مشور رفاه، آزادی و**

**امنیت مردم ایران" را**

**بدست گیرید!**

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>



[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سردبیر: فواد عبداللهی  
fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

**قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!**